

قرص برنج جان ۸۲۵ ایرانی را
در سال ۹۷ گرفت

● **شرق:** رئیس گروه اطلاع‌رسانی فراوردہ‌های سلامت سازمان غذا و دارو با اشاره به اینکه قرص برنج کالای ممنوعه به شمار می‌رود، گفت: در سال ۱۳۹۸ تعداد ۸۲۵ مورد و در پنج ماه نخست سال ۱۳۹۹ تعداد ۶۶۷ مورد قرص ناشی از قرص برنج ثبت شده است. دکتر سینا بهمنش با اشاره به اینکه بسیاری از موارد مرگ ناشی از قرص برنج بر اثر تنفس گاز سمی از شده است، کیسه‌های حاوی غلات یا حیوانات بوده است، گفت: این موارد دانسته یا نادانسته، رای دفع افاق، در داخل کیسه قرص برنج قرار داده و در اوقات منزل نگهداری شده است. وی با بیان اینکه تعداد مرگ ناشی از قرص برنج روند صعودی داشته است، گفت: بر اساس آمار پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۶، ۶۰ مورد در سال ۹۷ تعداد ۸۲۵ مورد و در پنج ماه نخست سال ۱۳۹۸، ۳۴۶ مورد مرگ ناشی از قرص برنج ثبت شده است. او خاطرنشان کرد: ۴۰ تا ۶۰ سال پیش مردم می‌توانستند با قرص برنج در دست می‌خورند، خطر داده است، به گفته بهمنش، بر اثر مسمومیت با قرص برنج در مردان، دو برابر زنان بوده و نیمی از مرگ‌ومیرها ناشی از مسموم غرق آفت، به دلیل تماس با قرص برنج بوده است. وی عنوان کرد: مسمومیت ناشی از قرص برنج برهه‌ای که به بیمارستان‌های کشور مراجعه شده است، در سال ۱۳۹۶، یک درصد، در سال ۱۳۹۷، ۱۰۴۴ درصد و در نیمه نخست سال ۱۳۹۸، ۱۰۲ درصد را شامل می‌شود. بهمنش با تأکید بر اینکه توزیع و خریدوفروش این سم به سطح کشور ممنوع است، گفت: فسفیدالومینیوم به شکل قرص از حذف رسمی مسموم مجاز کشور در سال ۱۳۸۴ از فهرست و هرگونه واردات، توزیع و فروش آن ممنوع اعلام شده است. او افزود: از سال ۱۳۹۰ قرص برنج از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کالای ممنوعه به شمار می‌رود و خریدوفروش و استفاده از آن مشمول مجازات است؛ اما متأسفانه قاچاق‌چیان قرص برنج همچنان ادامه دارد و برای اطلاع‌یابی توجه خانواده‌ها به خطرات ناشی از مصرف ناخالصی این سم، موجب شده کشور ما یکی از معدود کشورهای باشد که در سطح دنیا مرگ ناشی از این سم در آن گزارش شده است. رئیس گروه اطلاع‌رسانی فراوردہ‌های سلامت سازمان غذا و دارو به مردم توصیه کرد برای دفع آفات غلات در حیوانات در منزل از سیر و نمک یا قرص سیر که خطر است، استفاده کنند.

ماجرای تعدد و تکثر نهادهای تعیین‌کننده و تصمیم‌گیر به‌وضوح مشخص است. خود، هم برای مدتی در وزارت راه مشاور اجتماعی وزیر بودم. آنجا اجلاسی برگزار می‌شد درباره بررسی ابعاد تلفات و تصادفات جاده‌ای کشور. گاهی از سازمان‌ها و نهادهای مختلف می‌آمدند که در این باره صحبت می‌کردند. با اینکه همه حاضران به‌دفعی از نهادهای مرتبط با موضوع و مرتبط با یکدیگر بودند؛ اما نوع مواجهه و پاسخ و توضیحمندان درباره علت‌ها همیشه مبتنی بر مقصودانستن دیگری بود، کسی که مسئول جاده‌ها بود. بودروها و خطای انسانی را مقصر معرفی می‌کرد و مسئول خودروها را تقصیر را متوجه جاده‌ها می‌دانست و همین‌وقت به هم همین شکل از مسئولیت خود شانه خالی می‌کردند. این جلسات هر بار که برگزار می‌شد، به همین شکل به پایان می‌رسید تا در نوبت دیگری و اتفاق دیگر و دوباره، همین وضعیت تکرار می‌شد. معیبدف در بخش دیگری از گفته‌های خود به تشیی و تضاد در مراجع تصمیم‌گیری کشور اشاره کرد و در این باره این‌طور توضیح می‌دهد: «به‌نوعی می‌توان گفت سازمان‌های اداری کشور انکار مبتلا به شیوهای شبیه ساختار قبیلله‌ای هستند، هر سازمان خودش را یک قبیلله می‌بیند که در درون خود به قبیلله‌های دیگری هم تقسیم می‌شوند و این قبیلله‌ها هم به تضاد منافع دارند. فلان وزارتخانه خودش را قبیلله می‌داند و تقصیر را به گردن دیگر سازمان‌ها و نهادهای می‌اندازد. در این شرایط وجود سازمان‌های متعدد نیز که کارکردشان با یکدیگر هم‌پوشانی دارد و به‌الحاظ قانونی تکالیفشان روشن و دقیق نیست، این وضعیت را تشدید می‌کند. در صورتی‌که قرار است این ساختارها و سازمان‌ها به کمک همدیگر و در راستای هم به حل مشکلات کمک کنند». این جامعه‌شناسی هم‌چنین بخشی دیگر از ماچرا را به‌الحاظ ابعاد و ریشه‌های فرهنگی این موضوع و مسئولیت‌پذیری شهروندان در برابر عمل خود می‌داند و در این باره نیز می‌گوید: «به نظر من، ما به‌الحاظ روان‌شناختی جمعی دچار مشکل هستیم، از مسئولان تا مردم عادی عموماً به‌جای پذیرش تقصیر مشکل را به گردن دیگری می‌اندازیم. حالا آن دیگری گاهی بیرونی است و گاهی در داخل فلان تشکیلات یا فرد و... است. رد پای این رفتار را در ویژگی خود ما هم می‌توان دید، در محله، آپارتمان، شهر و روستا هم عموماً وقتی با فرد درباره مشکلات همان‌جا حرف می‌زنند، این‌دستا سازش را جمع‌کردن یا نریختن زباله و وضعیت رواندگی و... همیشه صحبت از مقصربودن دیگران است و فرد طرف صحبت منتقد وضعیت است. واقعیت این است که باید بپذیریم مردم و مسئولان با هم عمل می‌کنند و عین هم هستند؛ بنابراین برای حل مسئله هم باید هر دو تغییر کنند، این‌طوری نیست که مسئولان عوض شوند و نگاه مردم عوض نشود یا برعکس. راه حل مشکل البته از بالا به پایین است و باید این فرهنگ از بالا شروع به اصلاح و تغییر کند. در کشورها توسعه‌یافته‌ای که یک مسئول به‌دلیل خرداندن اتفاقی در حوزه عمل خود حتی اگر ربط مستقیمی به او نداشته باشد، استعفا دهد، این پیام را به مردم می‌دهد که مسئولیت‌پذیری است. مسئولان باید در وهله اول تقصیر و مسئولیت خود را بپذیرند تا این فرهنگ تغییر کند، این اتفاق اگر از بالا رخ دهد، از مسئولان بلندپایه، از دانشگاه و مراکز تربیتی و... و به بقیه برسد، می‌توان به بهبود وضعیت امید داشت».

هم مسئول هم منتقد



فرهنگی، رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، عضو شورای عالی آموزش و پرورش، عضو شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و... با کمی دقت و بررسی در مواضع و اظهارات بخش عمده مسئولان و تصمیم‌گیران خرد و کلان کشور می‌توان فهمید که این دیدگاه منحصربه‌فرد، یکسان خاص نیست و موضوعی فراگیر و جدی است. همه به نوعی منتقد هستند، فقط برخی منتقد تندوتیزند و برخی دیگر آرام‌تر و با ملاحظاتی نقد می‌کنند و اعتراض دارند.

ریشه و علت ماجرا در چیست، چرا چنین نگاهی به این شکل در جامعه و میان مسئولان رواج دارد؟ آیا نوعی فرار به جلو برای عدم بدیش مسئولیت است یا ماجرا ریشه در موضوعی فرهنگی و تاریخی و برآمده از دل فرهنگ و پیشینه مردم این دیار دارد؟ همین پرسش‌ها و نکاتی دیگر را در سید معین، فرشته هاشم و آندیشار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و متخصص حوزه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، پرسیدیم و او در این باره این‌طور پاسخ داد: «به نظر من این نوع نگاه و موضع، بیشتر از هر چیزی به نظام تصمیم‌گیری و مدیریت کشور برمی‌گردد و مرتبط است. در کشور ما در واقع نقش‌ها و مسئولیت‌ها و پیامدهای مسئولیت‌ها افراد با هم تبیین و تضاد و اختلاف دارد. در واقع نقش افراد در ساختار و نهادهای اداری، چه بعنوان کارشناس و چه مدیر و مسئول همیشه به‌گونه‌ای است که بیرون با نهادهای ساختارهای دیگری، هم به هم مرتبط است. در کشور ما هم میزان قدرت و تأثیرگذاری به نوعی موازی است. چون در کشور ما تقریباً در همه بخش‌ها با مراجع متعدد تصمیم‌گیری مواجه هستیم و سازمان‌های به‌شدت متکثر، هم در حوزه تصمیم و هم اجرا داریم که مجموعه آنها باعث می‌شود. افراد در هر پست و مقامی احساس کنند تصمیم‌گیری نهایی نیستند یا اثر کم‌تر و کم‌تر می‌شود. این باعث می‌شود مراجع تصمیم‌گیری و در واقع تضاد و تناقض‌ها در این حوزه باعث می‌شود از طرفی دیگر افراد به راحتی از مسئولیت‌پذیری در ارتباط با عملی که انجام داده‌اند شانه خالی کنند، چون می‌توانند به همین تعدد اشاره کنند و از بی‌قدرتی و بی‌عملی خود با همین استناد دفاع کنند. این جامعه‌شناس همچنین در ادامه می‌گوید: «در چنین شرایطی هر مسئولی می‌تواند هزار دلیل بیاورد که فلان اتفاقی که رخ داده و اتفاقاً در حوزه عمل او بوده، ربطی به او ندارد و خودش را برتره کند. به اعتقاد من عمده از ریشه این ماجرا در همین است که در همه حوزه‌های اجرایی کشور اعم از سیاست داخلی و خارجی، فرهنگ، اقتصاد، آموزش و... نگاه کن،

شرق - گروه جامعه: این روزها همه منتقدند، حتی آنهايي که نوک تيز پيکان انتقادات به سمت خودشان است. باين حال نقش منتقد و مخالف وضع موجود يود به حدی رسيده که فرقی نمی‌کند، چه کسی در چه مسئوليتي، همه در حال افغان آن هستند. جديدترين نمونه که من تاوه آن را مشتني نشنوده خوراء وضعت موجود دانست، چهارشنبه شب هفته گذشته در برنامه زنده «زاويه» شبکه چهار رخ داد؛ برنامه‌اي که با موضوع «عدالت آموزشی» برگزار شد و در آن سخنان طيبه ماهروزاده، هسبر غلامعلي حدادعادل، دانشيار گروه مديريت و برنامه‌ريزي آموزشی دانشگاه الزهرا (س) و عضو شوراي عالي آموزش پرورش، واکنش باري بسياری را بر هميه دارد داشت. ماهروزاده در اين برنامه در بخشی از گفته‌هاي خود که ما تکثيراً به شما راجع به اين مسئله مي‌گفتيم که نظر درسي خوب باشد، بلکه از نظر تحقيقي سالم بدر، اما باورناتمام نمي‌شود که در تهران چنين مدرسه‌اي پيدا نکرديم». مجری، در برنامه در واکنش گفت من اين فرمايش شما را شکت جمهوری اسلامي در حوزه آموزش پرورش مي‌دانم و ماهروزاده با عبارت «دقيقا» به آن پاسخ داد و در ادامه با اشاره به اینکه اکنون هيچ مسئوليت ندارم، غضبوت خود در شوراي عالي آموزش پرورش را مستدل بودن در باره نداشت و فتق در اين سؤال شما، سؤال خود من هست. اظهارات او واکنش باري گسترده‌اي به دنبال داشت و بيستر رسانه‌ها و کاربران شبکه‌هاي اجتماعي به آن از منظر تلاش براي حل مشکل شخصي پرداختند؛ مثل اين توپيت ايکي از کاربران توپيت که در اين باره نوشت: «ايشون گفته کلا با تاسيس مدارس غيرانتفاعي مخالف بودم اما خودم مدرسه غيرانتفاعي تاسيس کردم». مسؤولان عيني يمينه سيستم آموزشی داغونه به سجي اين که نه اصول اصلاح کند و نه وقتی فقه مخصوصي ايجاد کنه بجای اين که برای خود و فرزنداناش نفع خصوصي ايجاد کنه». موضوع و محور اين گزارش اما ابعد ديگر ماجراست؛ اينکه کسی که خودش عضو شوراي عالي آموزش پرورش و امست یکی از مسؤلواني است که سياهه زيت تنها برخي از مسؤلواي هماجراني هستند، چگونه و چرا از منظر به مجاربي که به حوزه عملکرد مستقيم، مربوط است نگاه مي‌کند؟

این بخشی از مسئولیت‌های غلامعلی حدادعادل، همسر طایفه ماهروزاده، در دوره‌های مختلف است:

معاون وزیر آموزش و پرورش، عضو هیئت‌امانی بنیاد دایره المعارف اسلامی و مدیرعامل بنیاد دانشنامه جهان اسلام از ۲۴ تا ۲۶، معاون پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، عضو هیئت‌امانی سرپرستی سازمان صداوسیما، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در دوره ششم، هفتم و هشتم و نهم، عضو هیئت علمی و دانشیار گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ریاست مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم، مشاور عالی رهبر جمهوری اسلامی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو هیئت‌امانی بنیاد ایران‌شناسی، عضو هیئت‌امانی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، عضو شورای انقلاب

کمبود انسولین

سمیرا حسینی: انسولین نداریم. همین جمله کوتاه امیدبشان را ناامید می‌کند. کمبود انسولین در کشور موضوع تازه‌ای نیست و از ابتدای اسفاله هر جدوق یکبار در سرخو خبرها قرار گرفته است و هربار برای مدت این دارو بدون مشکل در کشور توزیع شده و پس از مدتی باز کمبود مکیاب شده. هرشو تا امروز کمبود این دارو در همه کشور فراگیر نشده، اما شواهد حاکی از آن است که در برخی استان‌ها چار کمبود انسولین هستیم و اگر تا مدتی پیش فقط استان کرمان با این مشکل مواجه بود، حالا خبر رسیده که دامنه کمپای انسولین به برخی استان‌ها نیز رسیده است. مسئولان وزارت بهداشت تا چندی پیش هر رخ کمبود این دارو را تکذیب می‌کردند. حالا اما در گفت‌وگو با «شرق» خبر از ترضی این دارو از کمر می‌دهند. محمد ۶۱ ساله نزدیک یک ماه است که برای تهیه داروی انسولین همسرش تمام شهر را گشته و از زیر پا گذاشته و به گفته خودش، تمام داروخانه‌ها را روشن شده است. او به «شرق» می‌گوید: «همسرم نزدیک به ۱۰ سال است که انسولین مصرف می‌کند و روزی دو سه سبار باید آن را تزریق کند. اما خیلی وقت است که داروی انسولین در شهر ما کمپاب شده و نتوانستام داروهایش را پیدا کنم. حتی داروخانه هلال‌احمر و ۱۲ آبان هم رقتم. آن‌جا هم آن نوع انسولینی را که همسر من مصرف می‌کند، نداشتند تا اینکه یکی از بستگانم گفت خون دارو، یک ویال از این دارو را به ما قرض داد، البته این یک ویال شاید مصرف ۱۰ روز همسر ما باشد. البته فقط ما نیستیم؛ خیلی از افرادی که در ساری دیابت دارند مشکل ما را دارند». علی ۵۸ ساله یکی دیگر از بیماران دیابتی است که در استان مازندران زندگی می‌کند و کمبود انسولین در استان برایش مشکلات ایجاد کرده است. او به «شرق» می‌گوید: «من ۱۲ سال است بازنشسته‌ام، به «شرق» می‌گوید: «۱۲ سال است روزانه ۸۰ واحد انسولین مصرف می‌کنم، اما دارویم به سخی پیدا می‌شود و یک ماه است مجبورم داروهایم را به صورت آزاد تهیه کنم. وضعیت مالی خوبی ندارم، باین حال مجبورم به صورت آزاد داروهایم را تهیه کنم. چون برخی از داروخانه‌ها با دفترچه به من انسولین نمی‌دهند، با دفترچه به رام ۴ هزار تومان نیاز دارم. داروهایم را به صورت آزاد پامی ۴۲۰ هزار تومان پرداخت می‌کنم. اما به صورت آزاد پامی ۴۲۰ هزار تومان پرداخت کنم. در این مدت به همه داروخانه‌ها سر زدم، اما هیچ‌جا نتوانستم انسولین مورد نیازم را پیدا کنم. به من گفته‌اند انسولین نیست و مشکلات ما به تهران. انتقال می‌دهند، اما چندوقتی است که این مشکل را من همسر را و کسی پاسخ نمی‌دهد. با این وضع مالی نمی‌توانم بیش از این ادامه دم. اگر هم دارو مصرف نکنم حالم بد می‌شود. از شما می‌خواهیم مشکل ما را حل کنید و صدای ما به وزارت بهداشت منتقل کنید. مردم مشکلات دارند. وزارت بهداشت به داد این مردم برسد».

کمبود انسولین در استان‌های شمالی را دارو سازان نیز می‌کنند. مسئول محمدحطه‌ری، دارو ساز، در این باره، به «شرق» می‌گوید: ما چند نوع انسولین در بازار داریم،

اما در یک ماه گذشته نوع نوومیکس و نوورپید در بازار کمبود شد. اما به دلیل اینکه هنوز ذخیره‌هایی در بازار موجود بود، تا حدودی نیاز بیماران را پوشش می‌داد، اما شرکت پخش شمتی است که دیگر این نوع نوو انسولین را توزیع نمی‌کند. تقریباً دو سه هفته است که نوو انسولین در برخی استان‌ها و استان مازندران صفر شده. اما انسولین نوورپید هم کم شده، اما هنوز میزانش صفر نشده و در برخی از داروخانه‌ها به تعداد محدود موجود است». به گفته این داروساز، برخی از داروخانه‌ها از شرایط سوءاستفاده می‌کنند. او دراین‌باره می‌گوید: «تعداد اشتباهی شمارشی از داروخانه‌ها نیز هستند که از شرایط سوءاستفاده می‌کنند و انسولین‌ها را با قیمت آزاد حساب می‌کنند. شهریه‌های میزان انسولین موجود در داروخانه‌ها متفاوت است. ممکن است در شهرهای حاشیهای به صورت محدود انسولین موجود باشد. اما در شهرهای مرکزی دچار کمبود شدید شده است. در استان‌ها دیگر نیز کمبودهای مشکلاتی در این خصوص وجود دارد، به‌عنوان مثال استان کرمان نیز دچار کمبود شده است». محمدی در ادامه می‌افزاید: «وقتی از شرکت‌های پخش موضوع را پیگیری می‌کنیم به ما می‌گویند که موجودی ندارند و زمانی که از وزارت بهداشت استعلام می‌گیریم به ما می‌گویند انسولین در مرکز موجود است و مراحل کمرگی طی نشده تا توانیم آن را ترخیص کنیم. این حالی است که اگر بیمار این دارو را مصرف نکند دچار مشکلاتی می‌شود. ممکن است فرد بیماری‌های جانبی هم داشته باشد و همین عدم کنترل قند خون ممکن است کلیه‌ها و اندام‌های داخلی را تحت فشار قرار دهد و دفع پروتئین را افزایش می‌دهد. جدای از این روان بیمار به دلیل عدم کنترل قند خون نیز تحت تاثیر این می‌گیرد». هرچند تا مدتی پیش مسئولان منکر کمبود انسولین در کشور بودند، اما حالا خبر از ترخیص این دارو می‌دهند. کیانوش جهانپور، مدیرکل روابط عمومی وزارت بهداشت، درباره کمبود انسولین در برخی استان‌ها به «شرق» گفت: «هفته گذشته انسولین مورد نیاز بیماران دیابتی از مرکز ترخیص شد و در اختیار شرکت‌های پخش دارو قرار گرفت و نهایتاً طی چند روز آینده در سطح استان‌ها توزیع خواهد شد». البته فقط استان‌های شمالی با کمبود انسولین مواجه نیستند، بر اساس خبرهای منتشرشده، مدیران دارو نیز دچار کمبود انسولین است. محمدحسین مددکاری، دانش‌گاه علوم پزشکی کرمان، چندین بار دراین باره گفت: «داشتم نوع نوورپید اکنون در حال ترخیص از مرکز است. تمامی انواع انسولین غیر از یک نوع قلمی نوورپید در بازار کرمان موجود است و آمار این نوع انسولین به علت مشکلات کمرگی به تدریج رو به کاهش رفته و به صفر رسیده. به پزشکان و متخصصان غدد کرمان اعلام شده که نوع نوورپید را با انسولین‌های دیگر جایگزین کنند که مشکل هم به وجود نمی‌آید.

دریچه

**احضار وزیر به مجلس برای
پاسخ گویی درباره سهمیه فرزندان
هیئت علمی**

● **ایلتان:** نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفت: وزیر بهداشت امروز در مجلس حاضر می‌شود. «محمدحسین قربانی»، نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، در ارتباط با حضور وزیر بهداشت در مجلس برای پاسخ‌گویی به سؤال چهار نماینده برای بررسی دو موضوع سهمیه دانشجویی و آموزش پزشکی گفت: روز یکشنبه ۱۲ آبان سال جاری وزیر بهداشت به مجلس می‌آید. به دلیل سؤالاتی که برخی نمایندگان از وزیر دارند، فراخواند وزیر بهداشت از مدتی پیش در دستور کار مجلس بود. وی در ارتباط با سهمیه فرزندان هیئت علمی اظهار کرد: این جلسه برای پاسخ وزیر بهداشت به سؤالات نمایندگان است. این سؤال‌ها ابعاد مختلفی دارند؛ یکی از سؤال‌ها در ارتباط با بحث دانشجویان است. مشکلات عددهای در سهمیه‌ها وجود دارد. سهمیه فرزندان هیئت‌های علمی نیز یکی از موارد مشکل‌ساز است و ممکن است خیلی بیشتر از آنچه در چارچوب قانون بود، اعمال شده باشد. بررسی رشته‌های غیرپزشکی وارد رشته‌های پزشکی شده‌اند و بعضا در رشته‌هایی مانند دامپزشکی و از شهرهای دور در رشته‌های پزشکی در تهران منتقل شده‌اند. قربانی در ارتباط با سهمیه جانبازان نیز ۲۵ درصد بیان کرد: بحث دوم سهمیه جانبازان نیز ۲۵ درصد است. این موضوع مورد سؤال بعضی از همکاران خاص است. نوع سهمیه‌ها نیز ضعف و مشکلات خاص خودشان را دارند و در پایان افزود: پنج درصد سهمیه کنکور به این‌زگران تعلق گرفته است. این سهمیه برای همسر یا فرزند این‌زگرانی است که شش ماه در جبهه بوده باشند. مسئله مهم‌تر این است که اگر آن ظرفیت سهمیه جانبازان را بالای ۲۵ درصد در نظر نگیریم، باقی ظرفیت سهمیه به سهمیه جانبازان ۲۵ درصد تعلق می‌گیرد؛ این هم از نظر بعضی نمایندگان خیلی مطلوب نیست.

اجرای طرح ساماندهی موتورسیکلت سواران از سه‌شنبه در یانتخت



● **شرق:** رئیس پلیس پایتخت از اجرای شدن طرح ساماندهی موتورسیکلت‌سواران از سه‌شنبه این هفته در پایتخت خبر داد. سردار حسین رحیمی پیش از ظهر دیروز در جمع خبرنگاران با اشاره به تشریح جزئیات طرح ساماندهی موتورسیکلت‌سواران پایتخت اظهار کرد: طرح ساماندهی موتورسیکلت‌سواران پایتخت از سه‌شنبه این هفته اجرا می‌شود. وی افزود: هشت مورد تخلف وجود دارد که اگر موتورسیکلت‌سواران مرتکب این تخلفات شوند، موتورشان توقیف و با آنها برخورد می‌شود و همچنین اعمال قانون می‌شوند و موتورسیکلت‌سواران را به پارکینگ متعلق می‌کنیم. رئیس پلیس پایتخت تصریح کرد: این موارد عبارتند از: حرکت در جهت مخالف در خیابان‌ها، حرکت در خطوط ویژه، حرکت در پیاده‌روها، عبور از چراغ قرمز، همراه داشتن مدارک، نداشتن پلاک، مخدوش بودن پلاک، حرکت‌های نمایشی مانند تیر چرخ و ... سردار رحیمی اظهار کرد: موتورسیکلت‌سواری یکی از این هشت مورد تخلف را انجام دهد، موتورسیکلت توقیف، به پارکینگ منتقل و اعمال قانون می‌شود. وی گفت: پنج تخلف دیگر هم وجود دارد که اگر موتورسیکلت‌سواری آن تخلفات را مرتکب شود، اعمال قانون می‌شود، ولی به پارکینگ منتقل نمی‌شود.

رئیس پلیس پایتخت ادامه داد: این پنج تخلف عبارتند از: یوزماندن پلاک با قفل، پوشاندن پلاک با طلک، حمل بارهای نامتعارف، عدم استفاده از پلاک، کلاه ایمنی استاندارد و ایستادن روی خط عبور پیاده. سردار رحیمی با بیان اینکه بیش از ۴۵ درصد کشته‌ها در پایتخت از ابتدای سال تاکنون مربوط به موتورسیکلت‌سواران بوده است، اظهار کرد: پلیس مخالف استفاده از موتورسیکلت نیست، ولی به موتورسیکلت‌سواران هشدار می‌دهد که قانونمندی رفتار کنند، در غیر این صورت با آنها برخورد جدی خواهد شد. رئیس پلیس پایتخت خاطرنشان کرد: طرح ساماندهی موتورسیکلت‌سواران با همکاری پلیس راهور و کلاتری‌ها، از سه‌شنبه این هفته اجرا می‌شود.

